

ماشین ((عقل)) امپریالیسم چگونه تعبیه شده است

در صفحه ۲۴

مردم

این شماره: ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۹۵
دوشنبه ۱۵ مردادماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

در صفحات بعد میخوانید:

- توپنه‌های جنایت آمیز امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم علیه سازمان آزادیبخش فلسطین (صفحه ۲ - ستون اول)
- شناخت جامعه کشورما (۵) - دولت و دولتمداری در ایران (صفحه ۳ - ستون اول)
- چرا دولت اسناد را افشاء نمیکنند؟ (صفحه ۳ - ستون پنجم)
- بیانیه حزب کمونیست عراق درباره وضع کنونی عراق (صفحه ۶ - ستون اول)

آیت الله طالقانی

در دومین نماز جمعه گفت:

کسانی که به جوامع، سخنرانی‌ها و کتابخانه‌ها حمله می‌کنند، تصور نکنند خدمتی

به دین می‌کنند



جمعه گذشته، دومین نماز جمعه به امامت آیت‌الله العظمی طالقانی در دانشگاه تهران برگزار شد. آیت‌الله طالقانی در خطبه نماز برای صدها هزار نفر که برای خواندن نماز گرد آمده بودند، سخن گفت.

آیت‌الله طالقانی در بخشی از سخنان خود چنین گفت:

به یک صورت خاص، انگشتی، دستهای در کار است. می‌آید نفاسات فی‌المقد خناسها شروع میکنند بون دو گروه به اسم شیعه، سنی، کرد، عرب، ترک، فارس، ترکمن شروع میکنند این عقده‌ها را تهنیت کردن و بعد کم کم اینها مقابل هم قرار میگیرند، از دنیا و انقلاب غافل میمانند و در این میان یک گلوله ناشناسی شلیک میشود و خون نفر در این وسط به خاک و خون می‌غلطد، بعد بهم می‌ریزند، همان عوامل، همان کسانی که از خارج تحریک میکنند و از داخل با آنها همکاری میکنند.

این برنامه در سندج، در میوان، در گنبد در همه جا به یک صورت اجرا شده است. یک برنامه معنی و یک عده‌ای از چپ‌نماها دستشان در کار است، البته دیگران هم گناه داشتند، تقصیر داشتند.

آیت‌الله طالقانی در پایان سخنان خود گفت: «امیدواریم وسوسه‌ها و دمه‌های شیطان در روحیه‌ها تاثیر نکند و در یک محیط عالی و پاک و آزاد اسلامی حقوق همه برآورده باشد.»

نکاتی جالب توجه پیرامون نطق آقای بازرگان چرا نخست وزیر از بردن نام امپریالیسم امریکا بعنوان دشمن اصلی انقلاب ایران ابادارد؟

بگفته ایشان، «آن قسمت از قراردادهای تسلیحاتی که بر مبنای ژاندارم بودن ایران در خلیج فارس و برای ارضاء روح جاه طلبی شاه (۱) انجام گرفته بود، را از بین برده‌ایم. اما همه قراردادهای جنبه جاه طلبی و زیادروی نداشته است»

بدین ترتیب، نخست وزیر قراردادهای تسلیحاتی را به دو بخش تقسیم کرد: یکی آنهایی که جنبه «جاه طلبی» و «زیادروی» داشته و دیگری بخشی که برای «بالا بردن سطح نظامی و دفاعی مملکت بوده است.»

بدینسان نخست وزیر «اصلاح ندید» که از سیاست نظامی امریالیسم امریکا، که بدست «شاه خائن»، بعنوان «اساس سیاست رژیم اعمال میشد، سخنی بهمان آورد، ولی در عین حال اعتراف کرد که خرید این تسلیحات «۴۰۰ میلیون دلار» دارد و بنظر ایشان «قراردادهای تسلیحاتی ابقاشده، بیشتر برای لوازم یدکی است، زیرا هواپیماها و تسلیحات مستمراً احتیاج به لوازم یدکی دارند...»

مهندس مهدی بازرگان، نخست وزیر دولت موقت، روز چهارشنبه دهم مردادماه، نطقی ایراد داشت بنایت جالب توجه. بخش مهمی از این نطق در توجیه ابقاء قرارداد تسلیحاتی بود و بخش مهم دیگر آن در ردیف کردن گروههایی که «اردوگاه ضد انقلابی» را تشکیل میدهند. ولی نسه در مورد قراردادهای تسلیحاتی ونه در شمارش نیروهای ضد انقلابی، نام امپریالیسم امریکا بر زبان نخست وزیر نیامد!

در مورد ابقاء قراردادهای تسلیحاتی، نخست وزیر دولت موقت مدعی شده، «اصولاً بسیاری از این قراردادها اساساً ضد مملکت و خلاف نبوده، بلکه برای بالا بردن سطح فنی و اقتصادی و نظامی و دفاعی (۱) مملکت بوده است.»

و همچنین برای نیروی هوایی قراردادهایی بسته شده که پول آنها هم تمام پرداخت شده (پیش پرداخت شده) و یا کارخانجات تسلیحاتی که ۷۵ تا ۸۵ درصد مخارج آنها پرداخت شده است.»

پس برای این تسلیحات، از جمله مثلا جتکننده‌های اف ۱۴، که صرفاً تسلیحاتی تهاجمی هستند و نه برای ارضاء «جاه طلبی» و نه برای بالا بردن سطح دفاعی مملکت، باید مستمراً قطعات یدکی دریافت داشت، البته بناچار همراه با ابقاء و بازگشت مجدد مستشاران و کارشناسان نظامی امریکائی، تا ۴۰ میلیارد اسلحه «بزناله‌دان» ریخته نشود!

در اینجا، چه آقای نخست وزیر بخواهد و چه نخواهد، این سوال در برابر مردم قرار میگیرد که: پس سیاست نظامیگری باسکان داری مأموران پنتاگون در ایران باید ادامه یابد؟ و نیز یک سوال دیگر، چرا قرار داد دو جانبه نظامی، که قراردادی است سیاسی-نظامی، و جنبه مالی ندارد، تا بابت بهدر رفتن پول آن، نخست وزیر را نگران سازد، لغو نمیشود و چرا اصولاً آقای بازرگان درباره این قرارداد، که استقلال سیاسی و نظامی ایران را با خوشونت خاص سیاست امپریالیسم یانکی نقض نموده، سخنی بهمان نمی‌آورد؟ شاید این قرارداد هم مستمراً احتیاج به قطعات یدکی دارد؟

پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران مگر شعبه‌ای از پیمان نظامی سنتی نیست؟

در مطبوعات گزارشی درباره بیست و ششمین کنفرانس سالانه کشتیرانی پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران (آر. سی. دی) که روز پنجشنبه ۴ مرداد در محل کشتیرانی آریا برگزار شده، انتشار یافت. در این کنفرانس نمایندگان ایران، پاکستان و ترکیه، که اعضای این پیمان هستند، شرکت داشتند.

بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۴

سپهر و سرنوشت انقلاب مشروطیت
تحلیلی از انقلاب مشروطیت ایران و درسهایی که از آن می‌توان آموخت.
(دومین قسمت - صفحه ۶)

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

توطئه‌های جنایت آمیز امپریالیسم امریکا و صهیونیسم علیه سازمان آزادیبخش فلسطین

دولت صهیونیستی اسرائیل، که به پشتیبانی امپریالیسم امریکا بخش بزرگی از سرزمینهای کشور های عربی را اشغال نموده و خلق عرب فلسطین را از سرزمین خود رانده است، منطقه خاور نزدیک را به منطقه توطئه و تحریکات و کانون جنک و وخامت دائمی تبدیل کرده است.

سیاست تسلیم و جبهه سائی نورسادات در برابر امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بزرگترین خیانتی است که نسبت به خلقهای کشورهای عربی و بویژه خلق عرب فلسطین انجام گرفته است. این سیاست خائنانانه امپریالیسم امریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل را در نقشه‌های خود جهت ایجاد تفرقه در جبهه واحد مبارزه خلقهای عرب برای آزادی سرزمینهای اشغال شده و در جلوگیری از تحقق استقلال ملی خلق عرب فلسطین، مصرترا ساخته و مواضع خلقهای عرب را در این مبارزه تضعیف نموده است.

چرا نخست وزیر از بردن نام...

بقیه از صفحه ۱

عجیب تر از منطبق نخست وزیر درباره قراردادهای تسلیحاتی و نظامی، برداشت ایشان از انقلاب و ضد انقلاب است. از نظر آقای بازگان، «اردوی ضد انقلاب» متشکل است از شاه مخلوع و دارو دسته او، به اضافه صهیونیستها و سرمایه داران، که از وضع گذشته ایران منافع بسیار برده اند، دولتها و یارگروههای دور و نزدیک که نقش درجه دومی عمل میکنند، نیز احزاب و گروه های مخالف که «همیشه (۱) مخالف ما» بودند و همچنین حتی «توده های خودمانی ولی مزاحم» و ایضا «یک گروه دیگری که صد درصد موافق انقلاب و پیشبرد این انقلاب هستند. ولی عملی انجام میدهند که درست نیست».

بدینسان «اردوگاه ضد انقلابی» که در برابر «ما» واقع شده، ترکیب عجیبی دارد. در آن هم شاه و هم «گروهی که صد درصد موافق انقلاب و پیشبرد این انقلاب هستند، قرارداد. پس چه کسی جز دما انقلابی است؟ نخست وزیر بتشریح آن نپرداخت، لابد برای آنکه آنرا نیافتا

ضمناً آقای بازگان «احزاب و گروههای مخالف» (کدامند؟) که همیشه (چرا همیشه؟) مخالف ما (راستی کدام ما؟ و مخالف چه چیز دما؟) بوده اند، همه را در جوال واحدی ریخت و نام همه آنها را هم «توده نفتی» گذارد، اصطلاحی جعلی که بعضی ها از روی غرض برای بی اعتبار کردن حزب توده ایران، یعنی پیگیرترین حزب ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع، و همچنین تضعیف جبهه انقلاب بکار میبرند و بعضی دیگر از روی کور بینی سیاسی تکرار کرده و میکنند.

در هر صورت، این نطق نخست وزیر، اگر از زبان نخست وزیر خارج نشده بود، حتی ارزش انتقاد نداشت. ولی نخست وزیر در هر حال نخست وزیر است، آنهم نخست وزیر دولت موقت انقلابی، که حداقل میبایستی دشمن اصلی انقلاب، یعنی امپریالیسم امریکا را بشناسد، با آزادیهای دموکراتیک مردمی که بر ضد امپریالیسم و استبداد انقلاب کرده اند، احترام بگذارد، بتواند بین دوستان و دشمنان انقلاب مرز بکشد و آنها را درهم نهمیزد و لغو وابستگیهای کشور را به امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، بویژه در عرصه اقتصادی و نظامی لازم بشمارد.

نطق نخست وزیر باعث تأسف است، زیرا نشان میدهد که ایشان به محتوای ضد امپریالیستی و دموکراتیک انقلاب ایران یا بی نبرده اند، و یا اگر بی نبرده اند، از زبان آن، که لازمه بسیج نیروهای انقلابی علیه ضد انقلاب است، معلوم نیست بجهت دلیل خودداری میکنند، در راه رهایی کشور از وابستگی به امپریالیسم جهانخواه، بویژه امپریالیسم غدار امریکا، قاطعیت ندارند و همه دوستان و دشمنان انقلاب را، در اردوگاه ضد انقلاب، جا میدهند و ابهام بزرگ و خطرناکی در مردم، در تشخیص دوست و دشمن، ایجاد میکنند.

ما از آقای بازگان تقاضا داریم مراتب تأسف و تمعجب ما را بپذیرند.

ماشین عقل امپریالیسم چگونه تعبیه شده است

طبق توصیف جامع نیس بزرگ، که امپریالیسم را به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری، کشف و بر مبنای علمی مستدل نموده است، امپریالیسم از لحاظ ماهیت اقتصادی خود سرمایه داری انحصاری است و مقام تاریخی آنرا همین ماهیت اقتصادی آن مشخص میکند. انحصار زائیده تمرکز تولید، انحصار زائیده تبدیل بانکها از مؤسسات میانجی به انحصارگران سرمایه مالی است و سیاست استعماری و نو استعماری امپریالیسم نیز زائیده همین نهادهای اقتصادی آنست و مجموعه سیاست اقتصادی و نظامی و مناسبات بین المللی امپریالیسم بر پایه همین نهادها تدوین و تنظیم می گردد.

بدین ترتیب سراسر فعالیت امپریالیسم در تمام عرصه ها تابعی است از همین ماهیت قانونمند، که هدف آن تأمین منافع انحصارات و کمپلکسهای نظامی - صنعتی از طریق چپاول ثروتهای ملی خلقها، مداخله نظامی، جنگهای تجاویزی، تمحیل تسلیحاتی و رژیمهای ضد خلقی و دیکتاتوری است. و بدیهی است که آماج این نیات آزمندانه امپریالیسم، خلقهایی هستند که بخاطر کسب و حفظ استقلال میهن خود، جلوگیری از غارت منابع و ثروتهای ملی خویش و بخاطر آزادی و دموکراسی و ترقیات اجتماعی بپاخاسته اند.

بدینسان نه عقل و نه درایت و منطق، بلکه قانونمندیهایی جبری و بیبنی اقتصادی این نظام اجتماعی، تعیین کننده نهادهای سیاسی و خط مشی و برداشته امپریالیسم از رویدادها و پدیده های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است. امروز امپریالیسم امریکا، که در رأس امپریالیسم جهانی قرار گرفته، به کانون عمده ارتجاع جهانی، تجاوز و جنک، سیاست استعماری و نو استعماری و به مرکز صدور ضد انقلاب، کودتاهای ضد خلقی نظامی و تمحیل رژیمهای ضد خلقی و دیکتاتوری در مناطق مختلف جهان تبدیل شده است. تجربه رویداد های دهه های اخیر نمودار روشن این نقش ژاندارم جهانی است که امپریالیسم امریکا ایفاء می کند.

امروز تکامل تاریخ به نفع امپریالیسم، بلکه در جهت تأمین استقلال و آزادی خلقها و در جهت ترقیات اجتماعی به پیش میرود. وجود کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، توان اقتصادی و معنوی و نظامی این کشورها و گسترش نیرومند جنبش های رهایی بخش ملی خلقها، که عامل اصلی تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی بنفع استقلال و ترقیات اجتماعی و صلح و دموکراسی و بزبان امپریالیسم هستند، مانع عمده را در راه اجرای نقشه های تجاوزی و استیلاگرانه امپریالیسم امریکا تشکیل میدهند و این امپریالیسم جهانخواه را به عقب نشینی وادار می سازند.

جنگ تجاوز کارانه و جنایت بار امپریالیسم امریکا در ویتنام و دیگر کشورهای هند و چین از نمونه های زنده و برجسته خصمت تجاوزگرو ضد خلقی این امپریالیسم است. امپریالیسم امریکا نه بحکم عقل و درایت خود در این جنگ عقب نشینی نمود، بلکه در نتیجه پیکار قهرمانانه و حماسه آمیز خلق ویتنام، در نتیجه پشتیبانی و کمکهای همه جانبه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و در نتیجه همبستگی رزمی همه خلقها و نیروهای ترقی خواه جهان، به شکستی چنین فضاحت بار دچار گردید. پس اگر امپریالیسم امریکا دیگر قادر نیست گستاخانه و بلامنازع به تجاوز و مداخله نظامی مستقیم دست بزند، و اگر ناگزیر می شود که سرنگونی رژیمهای دیکتاتوری و ضد خلقی دست نشانده خود را از جمله در مین ماونیکادا گوته تحمل کند، علت آنرا نه در عقل و درایت امپریالیسم امریکا، بلکه در ناتوانی آن و در وجود آن نیروهای جهانی است که از مبارزات حق طلبانه و جنبشهای رهایی بخش مسلح دفاع و حمایت می کنند و در مبارزات قهرمانانه ویی گیر خلقها بر ضد امپریالیسم باید چشمپوشی نمود.

امپریالیسم امریکا، که تا آخرین لحظه از رژیم منقرض ضد خلقی شاه مخلوع حمایت می کرد، لحظه ای که امید آن به بقای این رژیم دست نشانده قطع گردید، بوسیله سران سرسپرد ارتشی و مستشاران نظامی خود، طرح کودتای نظامی و بمباران شهرهای ایران را تدوین نمود و بموازات این اقدامات با ورود ناوگان جنگی خود در خلیج فارس، به نمایش قدرت و تهدید به مداخله نظامی در میهن ما پرداخت، ولی همان تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی، که در اخطار جدی، قاطعانه و به موقع دولت اتحاد شوروی به امپریالیسم امریکا، که سودای مداخله نظامی مستقیم در ایران را در سر می پروراند، بازتاب یافت، عمده ترین عامل خارجی برای پیروزی انقلاب و بازدارنده این تجاوز خیانت آمیز بود.

در این مرحله از پیروزی انقلاب نیز امپریالیسم امریکا، طبق همان ماهیت تجاوزی و غارتگرانه خود، سازمانده تمام توطئه ها و تحریکات و اقدامات ضد انقلابی و پشتیبان همه نیروهای ضد انقلابی میهن ماست. تشدید فعالیت های نظامی امریکا در خلیج فارس، به بهانه تأمین امنیت و حفاظت آبراهه های صدور نفت، همه در جهت حفظ مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی موجود و باز یافتن مواضع از دست رفته انحصارات غارتگر امپریالیسم امریکاست.

پس با چنین شناختی از ماهیت امپریالیسم و نهادهای آنکیزه های سیاسی و نظامی و اقتصادی آن، نمی توان نیروهای انقلابی را به «عقل و درایت» امپریالیسم امیدوار کرد و از دستاورد های انقلاب با این امید دفاع نمود. این نیروها را باید در جبهه مبارزه ای قاطع ویی گیر علیه امپریالیسم امریکا بسیج و متحد ساخت. بایستی تمام امکاناتی را که امپریالیسم امریکا، با استفاده از آنان با اقدامات ضد انقلابی و تهدید آمیز علیه انقلاب مردم ما ادامه می دهد، از میان برد. باید قراردادهای نظامی تمحیل شده از جانب امپریالیسم را لغو کرد. باید مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی و معنوی امپریالیسم را از بیخ و بن برانداخت. اینهاست آن اقداماتی که می توانند امپریالیسم را مجبور به عقب نشینی نمایند و دستاوردهای انقلاب و پیشرفت روند آنرا از خطرهای ناشی از جانب امپریالیسم امریکا مصون و گزند ناپذیر سازند.

روابط برادرانه با سازمان آزادیبخش فلسطین و اعلام پشتیبانی از این سازمان، نمودار هدف مشترک مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران و سازمان آزادیبخش فلسطین و در عین حال نشانه آنست که دشمن اصلی و مشترک همه خلقهای منطقه، که در راه آزادی و استقلال مبارزه میکنند، امپریالیسم امریکاست. مردم ایران که با فداکاریهای حماسه آمیز خود موفق شدند رژیم دست نشانده امپریالیسم امریکا را سرنگون سازند و بر مواضع امریکا در این منطقه ضربات سنگین وارد آورند، در این دوران گذار پس از انقلاب نیز با توطئه ها و تحریکات دواثر جاسوسی امریکا و اسرائیل درگیرند.

مردم ایران، و حزب توده ایران، همراه با مردم ایران، خود را در مبارزه حق طلبانه خلق عرب فلسطین علیه امپریالیسم امریکا و اسرائیل سهیم و شریک میدانند و همبستگی رزمی و همدردی برادرانه خود را نسبت به سازمان آزادیبخش فلسطین ابـراز میدارند.

تامین آب مورد نیاز از خواستهای اساسی مردم اراک است

چند روز پیش آب قسمت «زمین فوتبال شهر» قطع شد و مردم در مضیقه کامل قرار گرفتند. مردم مقابل سازمان جمع شدند. عده ای مشکوک سعی داشتند مردم را تحریک کنند تا دست به شکستن شیشه ها و تخریب بزنند. باز هم افرادی به استنادار توپون کردند. استنادار اراک در اثر ناراحتی همان روز استعفا داد و به تهران حرکت کرد، ولی استعفایش قبول نشد و قرار شد بر گردد. در نتیجه تحقیقات معلوم شد که در مرکز سازمان آب اراک، اشخاص ناشناسی شیرهای آب آن قسمت شهر را بسته بودند. بعدا شهرها باز شد و آب تأمین گردید. اشخاصیکه علیه استنادار شمار دادند، استعفای رئیس شهر بانی را هم خواستار شدند. وضع آب اراک به علت گسترش شهر و عدم کشش لوله های قدیمی خوب نیست و فشار ندارد. گاهی هم خیلی ضعیف و قطع میشود. چندی پیش اعلامیه ای به امضای اهالی منطقه فوتبال پخت شد، که در آن خواسته شده بود اهالی سایر مناطق در مصرف آب صرفه جوئی کنند. حل بنیادی مسئله آب و تأمین آب مورد نیاز اهالی از خواستهای اساسی مردم اراک است.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و توسعه جامعه ما، در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله بقدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاریهای اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما وظیفتمان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن های ۹۳۳۴۵۹، ۹۳۵۷۳۸، ۹۳۳۴۵۹، ۹۳۳۴۵۹ خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این، علاقمندان می توانند کمک مالی خود را یکی از دو حساب بانکی زیرین بپردازند:

۱- حساب بانکی به نام قی کمی نش و به شماره ۳۳۳۳، شعبه ۶۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران نوین سابق).

۲- حساب بانکی شماره ۱۱۸۸، شعبه ۳۱۱۰ بانک صادرات

نیکار گوته، بسوی اصلاحات واقعی



به گزارش خبرگزاری فرانسه، حکومت انقلابی نیکارگوته، که شدیداً دست اندرکار مبارزه با بقایای رژیم سوموزا و وابستگان گذشته را میان دهقانان بی زمین تقسیم میکند. این اقدام بعنوان نخستین گام در جهت اصلاحات ارضی و خلقی تلقی شده است. خانواده سوموزا، با حمایت انحصارات آمریکائی، بیشتر زمینهای مزروعی نیکارگوته را تصاحب کرده بودند. دولت انقلابی همچنین وعده داده است که آزادی کامل مطبوعات رعایت خواهد شد، اما این آزادی در خدمت بازسازی کشور خواهد بود. از سوی دیگر گزارش میرسد که دو تن از مزدوران سوموزا در جریان حمله به یک قرارگاه ساندی نیستها کشته شده اند و این حادثه نشان میدهد که ضدانقلاب میخواهد در راه انقلاب مردم خرابکاری کند.

افغانستان و توطئه امپریالیسم

خبرگزاری تاس، به نقل از یک مقام وزارت کشور افغانستان، گزارش میدهد که دسته‌های ضدانقلابی در دوازده کشور همکنه‌ها را ویران کرده و زنان را کشته اند. دسته‌های مسلح از پاکستان به افغانستان نفوذ میکنند. به گفته این مقام، سلاحهای ساخت آمریکا، چین و پاکستان از این دستها به غنیمت گرفته شده است. این مقام اضافه کرد که کشورهای امپریالیستی، چین و یارهای از محافل پاکستان کمک مالی در اختیار ضدانقلابیون قرار میدهند و رژیم سادات نیز در این فعالیتها دست دارد. مقام افغانی گفت که موقعیت‌های مردم افغانستان پایان یافتن بهره‌کشی و استثمار و گزینش مسیر استقلال اقتصادی و سیاسی با طبیعت ارتجاع و امپریالیسم نیست.

جنگ روانی آمریکا در خاورمیانه

تحریکات و تهدیدهای امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس همچنان مورد بحث محافل دنیای عرب است. خلیج فارس و شبه جزیره عربستان بمنزله «گنجینه نفتی» انحصارات غرب است که میخواهند با تمام قوا آنرا غارت کنند. در ارتباط با این تحریکات، هفته نامه الکفاح العربی، چاپ بیروت، می‌نویسد که آمریکا با تهدید به جنگ نفت، یک تعرض روانی را آغاز کرده که هدف آن آماده کردن زمینه برای مداخله نظامی در خلیج فارس است. واشنگتن از جمله میخواهد برای توجیه اقدامات تحریک آمیز خود، تشنج را افزایش دهد و مصرف کنندگان را از کشورهای نفت خیز بترساند، واشنگتن درباره حمله افراطیون نیز سروصدا راه میاندازد.

پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران، مگر شعبه‌ای از پیمان نظامی سنتو نیست؟

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم امریکا، با شرکت فعال شاه مخلوع، برای رسیدن به این هدف خود، یعنی جلب کشورهای جدیدی به پیمان نظامی امپریالیستی، دام دیگری گسترده و آن تشکیل «پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران» بود، تا شاید بتواند از این راه کشورهای دیگر منطقه را به نحوی از آنجا به پیمان نظامی سنتو پیوند دهد و سیاست نو-استعماری، نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی را بر آنان تحمیل کند. اما چنانکه دیده شد، هیچیک از کشورهای دیگر منطقه به این دام نیفتادند.

حزب توده ایران در نشریات خود از همان آغاز تشکیل «پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران»، ماهیت امپریالیستی و ضد ملی این پیمان را افشاء نمود. اما سران رژیم سابق و رسانه‌های گروهی رژیم مرتب ادعا میکردند که تشکیل این پیمان اقدامیست که با نیازهای مشترک ملی و منطقه‌ای سه کشور عضو آن توافق دارد. در حالیکه هدف شاه مخلوع و امپریالیسم امریکا این بود که از طریق این پیمان، دایره عملیات سنتو را گسترش بدهند.

در آن زمان حتی روزنامه‌های گوش فرمان رژیم هم، روی مسئله ارتباط و پیوند این پیمان با پیمان نظامی سنتو تاکید میکردند. از جمله روزنامه «ندای ایران نوین» ارگان حزب ایران نوین در این مورد چنین نوشت: «با توجه به اعلامیه اخیر سنتو، باید چند کشور دیگر نیز به پیمان آر. سی. دی. پیوندند»، اضافه نمود، «از مدتی قبل محافل آگسآگس پیش بینی میکردند که آر. سی. دی. با تغییر هدفها در جهات تازه‌ای گام بر میدارد و فعالیت خود را در سطح وسیعتری دنبال خواهد کرد. با توجه به تغییر جهت مشخص سنتو و تکیه بیشتر روی هدفهای دفاعی، که یقیناً خطوط کلی آن طی اجلاس آینده پیمان سنتو در نیویورک عنوان خواهد شد، این تغییر روش در آر. سی. دی. قابل انتظار است.» پس بدین ترتیب کاملاً روشن است که پیمان آر. سی. دی. پیمان است که پیمان «آر. سی. دی.» پیمانی است که از جانب امپریالیسم امریکا بمنظور گسترش حیطه فعالیت پیمان نظامی سنتو بعنوان شعبه‌ای از این پیمان، برای جلب کشورهای دیگر منطقه به پیمان نظامی سنتو تشکیل و به کشورهای این منطقه تحمیل شده است.

اینک سئوالی که مطرح است اینست که:

چرا دولت موقت جمهوری اسلامی ایران که بطور رسمی خروج ایران را از پیمان نظامی سنتو اعلام داشته، در دوران پهلوی سیاست نواستعماری امپریالیسم امریکا و دهها پیمان نظامی دیگر، که از جانب امپریالیسم امریکا به کشور ما تحمیل شده، سکوت کرده است؟

چرا این پیمان امپریالیستی بیدرنگ لغو نمیشود؟

با وجود این پیمانها و پیوندها با امپریالیسم امریکا، نمیتوان استقلال کامل سیاسی و اقتصادی مین ما را تأمین و تضمین کرد. این واقعیت را مقامات دولتی بالاخره باید درک کنند.

پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران، در بهار سال ۱۳۴۳، با توصیه امپریالیسم امریکا، در ارتباط با پیمان سنتو تشکیل گردید و در دوران کابینه منصور عضویت ایران در این پیمان به تصویب رسید. این پیمان از همان سه کشور عضو پیمان نظامی سنتو در منطقه، یعنی ایران، ترکیه و پاکستان تشکیل شد، و چنانکه از نام آن برمیآید، گویا بمنظور همکاریهای منطقه‌ای برای عمران تشکیل یافته است، اما متکرین امپریالیستی این پیمان از تشکیل آن هدف کاملاً دیگری را دنبال میکردند.

مطلب از این قرار بود که از همان آغاز تشکیل پیمان نظامی سنتو، که سابقاً پیمان بناد نامیده میشد، از جانب امپریالیسم امریکا جهت جلب کشورهای دیگری از منطقه به این پیمان نظامی کوششهای فراوانی بکار برده میشد پس از انقلاب عراق و خروج آن کشور از این پیمان، این پیمان نظامی به پیمان سنتو تغییر نام داد. اما کوشش برای جلب دیگر کشورهای منطقه از جانب امپریالیسم امریکا و بویژه رژیم شاه مخلوع همچنان ادامه یافت. ولی از یکسو بملت افشای ماهیت تجاوزکارانه پیمان سنتو و از سوی دیگر بر اثر گسترش جنبش استقلال طلبانه خلقهای کشورهای این منطقه و تفوق گرایش روزافزون کشورهای نواستقلال در سمت سیاست همزیستی مسالمت آمیز و جنبش غیرمتمهده، همه این کوششها بی‌حاصل ماند.

بازداشت جمعی در عراق

به گزارش خبرگزاری فرانسه، سازمان عنوین المللی-شاخه فرانسه-گفته است که هفت نفر از اعضای حزب کمونیست عراق از هشت ماه پیش تاکنون در بازداشت بسر میبرند. این سازمان در مورد سلامتی این عده اظهار نگرانی کرد، عنوین المللی اضافه کرد که ظاهراً از ۱۹۷۸ تاکنون، بیست هزار نفر در عراق بازداشت شده اند، و بنظر میرسد اشخاص بازداشت شده، تحت شکنجه قرار گرفته اند و چندان نیز زیر شکنجه کشته شده اند.

کارشکنی چین

روزنامه پرآودا نوشت که محافل حاکمه چین تلاش دارند از گفتگوهای چین و جمهوری سوسیالیستی ویتنام بعنوان پرده دودی برای سیاست توسعه طلبانه و برتری جویانه خود در مقابل ویتنام استفاده کنند و تشنج را در جنوب شرقی آسیا افزایش دهند. پرآودا سیاست چین را در مذاکرات «کارشکنانه» خواند و نوشت که پکن محیط مذاکرات را مسموم کرده، با پیشنهادهای اصولی ویتنام برای عادی کردن روابط، مخالفت میکند. چنین دست بتجریکات مسلحانه در مرز زده و می خواهد «درس تازه‌ای» به ویتنام بدهد.

ملی شدن نفت نیجریه-ضربه‌ای دیگر به

انحصارهای امپریالیستی

دولت نیجریه اعلام کرد که سهام شرکت غارتگر «بریتیش پترولیوم» را ملی کرده است. این شرکت حدود نیمی از نفت نیجریه را تولید میکند. دولت نیجریه بخاطر سیاست دولت محافظه کار لندن در مورد حمایت از رژیم پوشارلی-اسقف موزوروا و فروش نفت به افریقای جنوبی، تصمیم گرفت که سهام بریتیش پترولیوم را ملی کند. سیاست دولت لندن نسبت به کشورهای افریقای را نیز برانگیخته است. لندن با همدستی واشنگتن تلاش میکند که نوعی شناسائی بین المللی برای رژیم موزوروا، که با مقام مین پرستان رودزیا روبرو است، دست و پا کند و نفت مورد نیاز رژیم نژادپرست پر توری را تأمین کند.

چهار وهائی از ضد انقلاب در افغانستان

حمایت می کنند؟

رهائی بخش ملی عمل میکنند، در افغانستان مدافع «اسلام» شده اند؟

امپریالیسم امریکا و رهبری پکن تا آخرین دقایق از رژیم دیکتاتوری ضد خلقی و منفور شاه مخلوع در برابر جنبش انقلابی مردم مین ما در راه استقرار جمهوری اسلامی پشتیبانی نمی کردند. امروز هم که انقلاب مردم ایران پیروز گردیده، تمام دسیسه‌ها و تحریکات و اقدامات خرابکارانه ضد انقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران، از همان محافل امپریالیستی و در درجه اول امپریالیسم امریکا و همچنین پکن تغذیه و تحریک میشوند. چگونه است که این دشمنان جمهوری اسلامی در ایران و توطئه کنندگان علیه روحانیت مترقی در ایران، ناگهان در افغانستان به حمایت از «مسلمانان» پرداخته اند؟

واقعیت اینست که، طبق اعتراضات عناصر ضد انقلابی و افراد گروههای تروریستی دستگیر شده، این عناصر و گروهها، به سرکردگی فئودالها و مرتجعین فراری از افغانستان، در پایگاههای ویژه‌ای در خاک پاکستان، زیر نظر مستشاران نظامی چین و عمال سیا و کارشناسان امریکا آموزش می بینند، با سلاح و تجهیزات چینی و امریکائی مجهز و بوسیله مقامات پاکستانی سازمان داده میشوند و برای اقدامات تروریستی و خرابکاری به خاک افغانستان فرستاده میشوند.

واقعیت اینست که انقلاب دموکراتیک در افغانستان علیه استعمار و استثمار، علیه فئودالها و زمین خواران و بفتح کارگران و دهقانان و توده‌های زحمتکش این کشور، که عموماً مسلمان هستند و به قرآن معتقدند، انجام گرفته و نیروی محرک و عامل پیروزی آن همین توده‌های زحمتکش مسلمان بوده و هستند. از جانب دیگر تجارب سراسر تاریخ نمایانگر

پشتیبانی و حمایت پاکستان، چین و امپریالیسم امریکا از نیروهای ضد انقلاب در افغانستان روز بروز با واقیعات تازه‌ای افشاء و آشکارتر می گردد. گروههای خرابکار و تروریستی، به سرکردگی فئودالهای افغانی، که در نتیجه پیروزی انقلاب دموکراتیک در این کشور مواضع سیاسی و اقتصادی خود از دست داده اند، با کمک و حمایت پاکستان و چین - عاملین دوایس جاسوسی امریکا می کوشند با شیوه‌های تروریستی و خرابکاری، نهادهای انقلابی نظام دموکراتیک خلقی در جمهوری دموکراتیک افغانستان را متزلزل سازند.

طبق اعلامیه رسمی ارگانهای امنیتی جمهوری دموکراتیک افغانستان، اخیراً دزد زد یکی کابل انبار اسلحه و مهمات و نشریات تبلیغاتی علیه دولت انقلابی و نظام اجتماعی دموکراتیک در افغانستان کشف گردید. از این انبار اسلحه مقادیر زیادی سلاحهای خودکار، طمانچه، نارنجک و مواد منفجره ساخت امریکا و چین و پاکستان بدست آمد. در اطلاعیه خاطر نشان شده است که این سلاحها و مهمات نمونه کوچکی از ذخایر اسلحه و مهمات ساخته کشور نامبرده است که تاکنون در جریان درگیری نیروهای انتظامی با گروههای خرابکار ضد انقلاب بدست آمده و در نقاط مختلف کشور کشف شده است.

در ضمن، نشریات تبلیغاتی علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان، با مضامین طرفداری از «حرکت اسلامی» در افغانستان، بر ضد نظام نوین در این کشور، همواره با این سلاحها و مواد منفجره در یک جا کشف می شود!

این مطلب مورد سوال است که چرا امپریالیسم امریکا و رهبری مائوئیستی چین، که در سراسر مناطق جهان در جبهه واحدی علیه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیستی و بر ضد جنبشهای

آنستکه امپریالیسم امریکا همواره مبارزات حق طلبانه، ضد استعماری و ضد استعماری خلقها را بخاک و خون کشیده، در همه نقاط و کشورهای جهان از نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی حمایت کرده، ضد دول و خلقها تکیه علیه وابستگی امپریالیستی بنا خاسته اند، به توطئه و تحریک و خرابکاری پرداخته است. اما همین امپریالیسم امریکا امروز مدافع «اسلام» در افغانستان میشود، به آموزش خرابکاری و اقدامات تروریستی گروههای اعزامی به افغانستان همت می گمارد و از «حرکت اسلامی» در مبارزه علیه حکومت دموکراتیک افغانستان، پشتیبانی میکند. این واقعیت باید چشمها را باز کند و دشمن واقعی را در رهبر لیبسی بشناسد.

ولی در حال با این عوام فریبها، زیر هر نقاب و عنوانی که باشد، دیگر نمیتوان خلقها را گمراه ساخت. خلقها، از آنجمله مردم ایران و افغانستان، در تاریخ مبارزاتشان با شرکدها و شیوه‌های مزورانه ارتجاع و امپریالیسم جهانی آشنائی کامل دارند. نه فئودالها و ارتجاع افغانستان و نه رهبری مائوئیستی چین و نه امپریالیسم امریکا دشمنان به حال اسلام و مسلمانان نسوخته است.

این منافع آزمندانده امپریالیسم امریکا و خصومت سرشتی آن با آزادی و استقلال خلقهاست که آنرا با فئودالها و ارتجاع افغانستان در زیر پرچم دروغین دفاع از اسلام و بر ضد نظام دموکراتیک خلقی در افغانستان متحد ساخته است.

همسفر خلق

من از تبار زحمت انسانم
فرزند رنج و زاده عصیانم
روح سترگ زندگی و پیکار
خون طپش، به هر رگ دورانم
تمثالی از ارانی نستووم
تمثیلی از صلابت و ایمانم
چون روزبه تیلوری از ایثار
آن شرزه شیر بیشه شیرانم
آماج سنک تهمت نامردان
منضوب کین و فتنه شیطانم
با قامت رسای فداکاری
چون صخره در برابر طوفانم
از یتک حادثات هراسم نیست
فولاد آبدیده سندانم
یرشور و یرخروش و ستیهنده
آتششان تفتت جوشانم
من یار غار و همسفر خلقم
من عضو حزب توده ایرانم
خورشید رهنمای منی ای حزب
کس را بدل به غیر تونشانم
گر بند بند من گسلند از هم
از راه و رسم تو، روی نگردانم
۲۷ تیر ۱۳۵۸ - م. گیلک

کوبای سوسیالیستی پشتیان انقلاب ایران

روز جمعه ۱۲ مرداد ماه، یک هیئت رسمی از کوبا، بریاست «آنتونیو واسکونسل پورا»، وزیر صنایع شیمیائی آن کشور، وارد تهران شد. این هیئت درباره شرکت ایران در کنفرانس کشورهای غیرمتعهد، که در هاوانا تشکیل خواهد شد، با مقامات دولتی ایران مذاکره خواهد کرد.

ورود نخستین هیئت رسمی از کوبا به ایران پس از انقلاب راه، مردم ایران همه نیروهای راستین انقلابی تهنیت میگویند. این تهنیت تشریفاتی نیست، تهنیت دوست به دوست است، زیرا همه میدانند که رژیم خائن شاه مخلوع، فقط بدلیل آنکه کوبای سوسیالیستی از جنبش انقلابی مردم ایران و نیروهای انقلابی و مترقی ایران پشتیبانی میکرد، مناسبات دیپلماتیک خود را به بهانه‌ای پیوج و مضحک با کوبا قطع کرد. همه میدانند که کوبای سوسیالیستی از نخستین کشورهایی است که بدون قید و شرط، صادقانه و با تمام نیرو از انقلاب پیروزمند مردم ایران و حکومت جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده و میکند.

مردم ایران انتظار داشتند که پس از پیروزی انقلاب، دولت موقت بلافاصله مناسبات دیپلماتیک ایران جمهوری را با کوبای سوسیالیستی برقرار کند و از کمک مادی و معنوی کوبای انقلابی برای حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران استفاده نماید. متأسفانه این خواست مردم ایران، ۶ ماه پس از پیروزی انقلاب، هنوز انجام نگرفته است.

ما امیدواریم که حضور هیئت رسمی کوبا در ایران فرصتی باشد برای حل فوری و نهائی مسئله استقرار مناسبات دیپلماتیک ایران و کوبا - که در واقع اصلا مسئله‌ای نیست. علاوه بر این ما امید داریم که مسئله شرکت ایران در کنفرانس هاوانا و پیوستن به جرگه کشورهای غیر متعهد نیز در مذاکراتی که بین هیئت رسمی کوبا و مقامات دولتی ایران صورت میگیرد، بطور قطعی و نهائی حل شود، زیرا این نیز یکی از خواسته‌های فوری و اساسی مردم ایران بود و هست.

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پس از اعلام نامزدی غلامرضا روحانی شهرکی از اصفهان برای مجلس خبرگان، افسراد و یساگر وهایی، که هویت آنها برای ماروشن نیست، مدارکی دال بر همکاری وی بسا ساواک منحل در شهر انتشار دادند و روزنامه «انقلاب اسلامی» نیز آنرا در شماره ۱۱ مرداد ۱۳۵۸ خود منتشر کرد.

لازم به یادآوری است که سازمان حزب توده ایران در اصفهان، بلافاصله پس از اطلاع از وجود چنین مدارکی، طی اعلامیه‌ای شخص نامبرده را از فهرست نامزدهای حزب در اصفهان حذف کرد و مراتب را به آگاهی همگان رساند. اینکه ساواک زده‌ای بتواند در صفوف حزبی که دهها سال در سخت‌ترین شرایط، از جمله سالیان دراز در شرایط مخفی، مبارزه کرده و تازه فعالیت علنی خود را آغاز نموده، رخنه کند، جای شکفتی نیست. بویژه اگر در نظر بگیریم که در بین نامزدهای برخی دیگر از احزاب و گروهها نیز افراد مشکوکی وجود داشته‌اند. شکفت آوردن آنستکه چرا و به چه علت محافظ دولتی، علیرغم خواسته‌های مکرر حزب ما و سایر نیروهای ملی و مترقی، فهرست ساواکی‌هایی را که در دست دارد منتشر نمیکند، که هم مردم این افراد را به اسم و رسم بشناسند و هم احزاب و گروههای سیاسی از گردن آنان مصون بمانند و بدینسان نیز جلوی خرابکاری‌ها و توطئه‌های این قبیل عناصر سد گردد؟

حزب توده ایران کزاد این پرسش را مطرح ساخته و از مقامات مسئول انتشار هر چه زودتر فهرست ساواکی‌ها را خواستار شده است. اما متأسفانه مسئولین امر تاکنون در این مورد سکوت اختیار کرده‌اند. آنچه در اصفهان گذشت، نشانگر آنستکه مقاسمات مسئول دانسته و فهمیده مهر سکوت بر لب نهاده‌اند، که سرفرصت علیه این ویا آن گروه و یا حزب سیاسی تبلیغاتی بسراه اندازند. ما معتقدیم که چنین تاکتیکی حداقل جوانمردانه نیست و بار دیگر مصراً از دولت موقت می‌خواهیم که هر چه زودتر فهرست ساواکی‌ها را در معرض افکار عمومی قرار دهد.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳ مرداد ماه ۱۳۵۸

امپریالیسم امریکا، با وجود شکستهای خود، به توطئه علیه خلقها ادامه میدهد

روزنامه ایزوستیا، در تفسیری پیرامون تحولات در رودزیا و خاورمیانه، می‌نویسد، تحولات در رودزیا و خاورمیانه شاهدی بر این واقعیت هستند که محافل حاکمه آمریکا اکنون دست به مانورهای تازه‌ای زده‌اند و هدف از این مانورها ازمیان بردن موانع اصلی طرحهای تجاوزکارانه آنهاست. در هر دو ناحیه، این مانع اصلی، همانا مبارزه مداوم و روزافزون خلقها برای آزادی و استقلال است. در آفریقای جنوبی، جنبش آزادیبخش ازسوی جبهه میهن پرستان زیمبابو رهبری میشود. و خلق فلسطین نیز بر رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، که توانسته است در سازمان ملل و بسیاری از سازمانهای جهانی دیگر برسمیت شناخته شود، به مبارزه‌ای بزرگ دست زده است. این مبارزه جبهه ضدامپریالیستی و ضد صهیونیستی کشورهای عربی را، که بیشترشان باخمس فراوان توطئه امریک-مصر-اسرائیل را علیه کشورهای خاورمیانه محکوم کردند، تقویت می‌کند.

در این شرایط و اوضاع و احوال، آمریکا تلاش دارد که سیاست «حل و فصل داخلی» را به جبهه میهن پرستان زیمبابو تحمیل کند و از پاره‌ای اختلافات در بطن جبهه، که بر سر مسائل تاکتیکی مبارزه وجود دارد، بنفع خود استفاده کند. اوضاع جاری در رودزیا مستلزم هشیاری بیشتر و مسئولیت بزرگتر رهبران جبهه میهن پرستان است. این جبهه، اهد خلقهای زیمبابو، نامی بی‌اوتاماسی جنوب آفریقا است که برای آزادی کامل قاره ازیوغ نژادپرستی و آپارتاید می‌زنند.

در منطقه دیگر، در خاورمیانه، تبهانی آمریکا با اسرائیل و مصر نتوانسته است به تجاوز اسرائیل علیه لبنان پایان دهد و یا به حلا و فصل کامل بحران منجر شود. همچنین این تبهانی موفق نشده است که موضع امپریالیسم آمریکا را بنحو مطلوب در منطقه نفت خیز و مهم خاورمیانه تحکیم بخشد. اعتراف به شکست آمریکا را می‌توان در تهدیدهای نظامی فزاینده‌ای که علیه کشورهای نفت خیز عرب بعمل می‌آید، مشاهده کرد. و این نشان میدهد که مجاری معمولی دیپلماتیک نتوانسته‌اند نتایج مطلوب را بیاورند. در همان حال تهدید نظامی تنها می‌تواند تأکید بر ضعف دیپلماتی آمریکا باشد.

محافل حاکمه آمریکا با این حال از این مسئله آگاه شده‌اند که مشکل فلسطین مانع اصلی حصول بهد فهای آمریکا در منطقه است و این محافل میخواهند این مشکل را، نه از طریق حل و فصل عادلانه، بلکه با نابود کردن آن حل کنند.

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

شناخته شده برای اکثر زندانیان سیاسی از جمله اعضاء و هواداران حزب توده ایران بود. اینکه چگونه این همکار ساواک توانسته است جزء اعضاء هیئت نظارت در آید، مسئله‌ایست که فرمانداری تهران پاسخگوی آن است. ولی مسلم است که مخالفین حزب توده ایران در این مورد نیز مانند دیگر موارد در صدند از این فرد ساواکی و خود فروخته در جهت تبلیغ علیه حزب ما و بقصد انحراف افکار عمومی سوء استفاده کنند.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۳ مرداد ماه ۱۳۵۸

در روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳ مردادماه ۱۳۵۸، خبری درج شده بود دایر بر اینکه گویا در حوزه ۱۳۲۰، واقع در خیابان ریاط کریم فرعی، حسینیه سوسنگرد، شخصی بنام میکائیل روزبه، یکی از اعضاء هیئت نظارت این حوزه، آراء زیادی را به نفع یکی از کاندیداهای حزب توده ایران به صندوق ریخته است. ما نمیدانیم این خبر، که توطئه جدیدی است علیه نامزدهای حزب توده ایران، از جانب چه کسی و یا چه مقامی در اختیار رسانه‌های گروهی گذارده شده است. اما میدانیم که میکائیل روزبه یکی از اعضاء سازمان باصلاح رهایی بخش خلقهای ایران و از یاران نزدیک عامل ساواک، سپروس نهانندی است که در زندان به نفع ساواک منحل فعالیت گسترده‌ای داشت و عنصری

و بنا بر این به ایجاد تفرقه در صفوف سازمان آزادی بخش فلسطین و «اهلی کردن» جنبش مقاومت فلسطین دل بسته‌اند. نمیتوان این احتمال را از نظر دور داشت که ممکن است امریکایی کند با استفاده از کشورهای اروپای غربی، بعنوان «قائم مقام» خود، فلسطینی‌ها را «رام» کند. این مانورهای جاری امپریالیست‌ها و نژادپرستان و صهیونیست‌ها در جنوب آفریقا و خاورمیانه، مستلزم هشیاری بسیار از سوی خلقهای این مناطق است. بویژه وحدت در صفوف جبهه میهن پرستان و سازمان آزادی بخش فلسطین اهمیت اساسی دارد.

مردم ترقیخواه جهان، که در پهنه جهانی نفوذ و اعتبار بیشتری بدست می‌آورند، از آنها حمایت می‌کنند.

از کمکهای رفقا و دوستان بسپاسگزاریم

زاهد یک دستگاه ماشین تحریر لایتین
م. لاله ۵۰۰۰ ریال
م. الف ۱۵۰۰ ریال
نصرت. ن. ۱۰۰۰۰۰ ریال
م. ا. ۴۷۱ ۵۰۰۰ ریال
فرشادشاکری از رشت (به حزب پدرش) ۵۰۰۰ ریال

حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

تصحیح

رفیق عباس حجری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران است که در شماره گذشته، اشتباهاً عضو کمیته مرکزی چاپ شده است. بدینوسیله باپوزش تصحیح میشود